

نشست علمی-کارشناسی

پیامدهای انتخابات آمریکا برای ایران

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
دانشگاه تهران

با همکاری

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(گروه آمریکای شمالی)

و

مرکز مطالعات عالی بین‌المللی
دانشگاه تهران

وبینار با حضور

۲۰ آبان ۱۳۹۹

گزارش کامل



دکتر محمد جمشیدی

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران



دکتر سیدحامد موسوی

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران



گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی "پیامدهای انتخابات آمریکا برای ایران" از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای و مرکز مطالعات عالی بین‌المللی در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۹ به صورت وینار برگزار شد. در این نشست، دکتر سید حامد موسوی استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر محمد جمشیدی استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران به طرح نقطه‌نظرهای خود پرداختند. مدیر این نشست خانم دکتر الهه کولایی بودند.

در ابتدای نود و یکمین نشست علمی-کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، دکتر کولایی از دکتر جمشیدی و دکتر موسوی برای حضور در وینار تشکر کردند و با مقدمه‌ای در مورد اهمیت، پیامدها و آثار انتخابات آمریکا برای ایران و جهان، از دکتر موسوی خواستند به طرح بحث بپردازند. دکتر موسوی ابتدا در مورد شانس پیروزی ترامپ صحبت کردند و گفتند: «کار ترامپ تمام است. دو رویکرد در این مورد وجود دارد؛ نخست اینکه ترامپ ادعای تخلف در انتخابات را از طریق حقوقی پیگیری کند و دوم اینکه مردم را به خیابان بکشد. البته پیگیری حقوقی سخت است چون بایدن در ایالت‌های حساس نوادا و جورجیا جلو و اختلاف آراء هم زیاد است. از آنجا که ترامپ فردی جنجالی است امکان دعوی خیابانی بیشتر است. نشانه‌هایی که از حزب جمهوری خواه دریافت می‌کنیم این است که حزب جمهوری خواه از ترامپ حمایت نخواهد کرد پس ترامپ برای پیگیری حقوقی هم باید سند و مدرک ارائه کند. پس با این حساب جو بایدن رئیس جمهور قطعی آمریکا خواهد بود».

ایشان در مورد پیامدهای انتخابات آمریکا برای ایران گفتند: «بایدن و تیمش همان تیم اوباما و کاملاً آشنا با ایران هستند و در مسائل هسته‌ای و

برجام نقش اصلی داشتند. اما این تیم تجربه چهار ساله ترامپ را هم دارد و در محاسباتش وارد می‌کند. بایدن بودن در برجام را در مهار ایران موثر می‌دانست و موافق خروج از برجام نبود زیرا باعث چالش آمریکا با اروپا می‌شد. طرح‌های ترامپ از نظر کشیدن ایران پای میز مذاکره موثر نبود، اما از بعضی جهت‌ها مانند تورم، نرخ ارز و اوضاع اقتصادی که سبب ناآرامی‌های آبان ۱۳۹۸ شد، سبب شد بعضی‌ها در واشینگتن فکر کنند به راحتی می‌توانند حکومت را در ایران تغییر دهند. بنابراین از آنجا که ترامپ هزینه این سیاست‌ها و تحریم‌ها را داده، بایدن عجله‌ای برای لغو تحریم‌ها علیه ایران نخواهد داشت. اما پیش‌بینی می‌شود تحریم‌های نمادینی مانند ممنوع شدن ویزا و تحریم آقای ظریف را لغو کند، که نشان دهد حسن نیت دارد. با این وجود بایدن تحریم‌های حساس را لغو نخواهد کرد. بایدن مذاکره را برای دولت آینده ایران در نظر دارد. پس از نظر زمانبندی، تحریم‌های مهم و اصلی به سرعت برداشته نمی‌شود. بایدن و تیمش اعلام کردند که مذاکرات، محدود به برجام و مسئله هسته‌ای نیست. آنها می‌گویند قصد دارند برجام را ارتقاء دهند. چون به انقضای بعضی تحریم‌ها در برجام نزدیک می‌شویم، می‌خواهند بر سر آن و همین‌طور در مورد توان موشکی ایران به مذاکره بپردازند. روش ترامپ تحریم و تهدید بود. بایدن متفاوت عمل خواهد کرد. اما به دنبال همان اهداف ترامپ است. بحث‌های حقوق بشر برای تیم بایدن مهم است. از آن به عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده خواهد کرد. بحثی که دارند این است که مذاکرات در شرایط احیای برجام، به توافق در مورد مسائل منطقه‌ای و موشکی برسد».



ایشان در ادامه در مورد ایران گفتند: «ترامپ کله شق و بی ادب بود، اما نهادهای حکومتی پشت سرش اهل حساب و کتاب هستند. پس اگر دوباره در ایران ناآرامی به وجود بیاید، امکان حفظ و تشدید تحریم‌ها وجود خواهد داشت، زیرا بایدن برخلاف ترامپ توانایی اجماع سازی و ابزار قدرت نرم بیشتری دارد. اما موضوع در قالب صفر و صد نیست و باید رفتار بایدن را در عمل ببینیم. برای نمونه بایدن به دنبال کار روی طرح فریز اند فریز است: یعنی تحریم بیشتر علیه ایران وضع نمی‌کنیم و ایران هم نباید در برنامه هسته‌ای پیشروی کند. ایران می‌تواند از ابزار هسته‌ای برای چانه زنی استفاده کند یعنی می‌تواند بگوید شما تحریم‌ها را رول بک کنید، ما هم یک‌سری برنامه‌های هسته‌ای را رول بک می‌کنیم، که منطقی‌تر است. شاید بتوان به لغو موقت تحریم‌ها رسید. آخرین نکته این است که تکلیف انتخابات سنا مشخص نشده است. انتخاب دو سناتور ایالت جورجیا در ماه ژانویه مشخص می‌شود، چون پنجاه درصد آراء را کسب نکرده‌اند. احتمال برنده شدن دمکراتها کم است، چون ایالت جورجیا جمهوری‌خواه هستند و سنا همچنان در دست جمهوری خواهان خواهد ماند. این امر دست بایدن را برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل داخلی و خارجی خواهد بست».

در ادامه دکتر جمشیدی بحث را دنبال کردند: «در ایران نوعی خوش خیالی در مورد سیاست بایدن وجود دارد اما در واقع این نگاه دقیق نیست. بایدن به دو دلیل دارای خشونت رفتاری ترامپ نخواهد بود:

۱. دمکرات است ۲. خصوصیت شخصی ترامپ را ندارد. اما به نظر من دولت بایدن یک دوره‌ای خواهد بود». ایشان در تبیین این موضوع گفتند: «تحولات داخلی آمریکا و دوقطبی شدن جامعه، سن بایدن که خودش هم گفته دو دوره‌ای نخواهد بود و اینکه گفته است کار را باید به جوانان سپرد. سیاست بایدن، ادامه سیاست اوباما و و نیز ترامپ است، با این تفاوت که بایدن خشونت رفتاری ترامپ را ندارد. سیاست دولت بایدن، مهار ایران خواهد بود. در دوره چهل ساله حکومت جمهوری اسلامی، سیاست آمریکا مهار و تعامل‌گزینی بوده است. ایران مزیت ژئوپلتیک دارد. همواره در دوره‌هایی که آمریکا امید داشته در معادلات داخلی ایران تغییر ایجاد کند، با ایران همراه بوده است. بنابراین سیاست راهبردی آمریکا پایدار است و تغییر نخواهد کرد. بلکه تاکتیک‌ها تفاوت دارد که نه تنها هزینه‌ای برایشان ندارد، بلکه به هدفشان می‌رسند. پس ایران باید روش و ابزار مذاکره و قدرتش را به‌خصوص در مسئله هسته‌ای بیرون از میز مذاکره تقویت کند. به نظر می‌رسد پنج گام هسته‌ای ما بیشتر اعلامی بوده تا اعمالی».

ایشان در ادامه گفتند: «دمکراتها و جمهوری خواهان هر دو یک هدف دارند. تحریم ابزار راهبردی آنها است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید در داخل ابزار مذاکراتی خود را قوی کند و در موضع قدرت و دست پر وارد مذاکره شود تا بتواند از طرف مقابل امتیاز بگیرد». ایشان در پایان در مورد ابزارهای مذاکراتی و سیاست بایدن در مقابل ایران صحبت کردند و گفتند «جمهوری اسلامی ایران باید به تقویت ابزارهای قدرت سخت خود مانند برنامه هسته‌ای بپردازد تا بتواند در میز مذاکره قدرت مانور و چانه‌زنی داشته باشد». ایشان گفتند: «من موضع سیاسی ندارم، اما سیاست خارجی و کلان دولت به گونه‌ای بوده که نتیجه‌اش این وضع شده، البته تغییر فضای داخلی آمریکا و منطقه در آن دخیل است. هم

دمکرات و هم جمهوری خواه مفروض‌های راهبردی مشترک دارند. بنابراین، **بایدن او بامای دوم نیست**. او باما هم خیری به ما نرسانده است.

در واقع ترامپ، تحریم‌های او باما علیه ایران را تشدید کرده است. ما باید با واقع بینی منافعمان را دنبال کنیم و در سیاست داخلی و خارجی دچار خوش خیالی نشویم. لازمه آن این است که ابزارهای قدرتمان را برای مذاکره موفق تقویت کنیم. سیاست خارجی بایدن را برجای تصور نکنید، مسئله فراتر از برجام است. بلکه برجام برایشان مفروض است، زیرا ایران بقای برنامه را به خطر نینداخته است. به نظر من ایران به بازگشت آمریکا به برجام راضی است، اما مشکلی را حل نمی‌کند. بر فرض اینکه توافقی هم بکنیم، گشایشی حاصل می‌شود، اما این گشایش چندان اثرگذار نخواهد بود. پس نباید عجولانه و بدون دقت نظر به دنبال توافق باشیم».

در پایان بحث، دکتر کولایی گفتند: «در موضوع مذاکره با آمریکا، ما باید برای چانه زنی و تعامل، ابزار داشته باشیم. آیا بالاترین ابزار چانه‌زنی، چیزی جز رضایت، پشتیبانی و اقبال مردم است؟ ابزار چانه زنی ما چیست؟»

دکتر جمشیدی گفتند: «یکی از پیوندهای دمکرات‌ها و جمهوری خواهان این است که با تحریم موجب آشوب در ایران شوند. فشار اقتصادی در دوره او باما، فلج‌کننده و فشار اقتصادی دوره ترامپ حداکثری بود. هدف هر دو رییس جمهور تشدید نارضایتی مردم بود. تحریم ابزار تغییر محاسبه ایران است. در کشورهای دیگر هم جریان راست افراطی و پوپولیسم واکنش به مشکلات اقتصادی است. طبقه متوسطی که از بین رفته، واکنش سیاسی نشان می‌دهند. پس ما باید این مسئله را جدی بگیریم. ایران هم قدرتش را از مردم دارد. اگر بین حکومت و جامعه

فاصله بیفتد، نمی‌توان انتظار سیاست خارجی موفق داشت. اما وقتی می‌گوییم ابزار مذاکراتی، منظور چیزی است که وقتی مذاکره می‌کنیم بتوانیم از طرف مقابل بابت آن امتیاز بگیریم. به نظرم بحث هسته‌ای ریسک کمتری دارد».

دکتر جمشیدی در پاسخ به این پرسش که «آیا ایران می‌تواند با همکاری با چین و روسیه در منطقه، از آمریکا امتیاز بگیرد؟» گفتند: «چین و روسیه ورود راهبردی در خاورمیانه نداشتند. ورود روسیه محدود به درگیری‌ها شده ولی در حوزه عراق و یمن ورود جدی پیدا نکرده و به دنبال موازنه راهبردی مقابل آمریکا نیست. چین هم بیشتر به دنبال اهداف اقتصادی است. با این وجود ایران باید در این زمینه طرح و برنامه داشته باشد. نقطه قوت ایران در مقابل آمریکا، رابطه با چین و روسیه است. فشار آمریکا علیه ایران از طریق تحریم است و اگر ایران با چین قرارداد راهبردی امضا کند، آثار سیاست تحریمی آمریکا علیه ایران کاهش می‌یابد چون سیاست تحریمی آمریکا را دور می‌زند. پس حضور قدرت‌ها در خاورمیانه مهم نیست، بلکه رابطه با قدرت‌ها در خاورمیانه مهم است».

در پایان دکتر کولایی با تاکید بر ضرورت تقویت بنیان‌های اجتماعی قدرت، از هر دو مهمان برای شرکت در نشست و طرح مباحث علمی و آگاهی دهنده، تشکر کردند.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

cces@ut.ac.ir

تارنما:

cces.ut.ac.ir

Center for Central Eurasia Studies

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: cces@ut.ac.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704